81949 ـ غسل چه هنگام واجب است و چه هنگام مستحب است؟

سوال

آیا غسل پس از احتلام واجب است یا تنها پس از معاشرت زناشویی واجب است؟ جاهای دیگری که غسل در آن واجب یا مستحب می‌شود چه هنگامی است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

غسل ممکن است واجب باشد و ممکن است سنت مستحب باشد. علما رحمه الله همهٔ این حالات را بیان کرده‌اند و می‌توان سخن آنها را به سه بخش تقسیم کرد:

نخست: موجبات غسل که مورد اتفاق است:

۱ـ خروج منی حتی بدون جماع.

در «الموسوعة الفقهية» (۳۱/ ۱۹۵) آمده است:

«فقیهان بر این اتفاق نظر دارند که خارج شدن منی از واجب کننده‌های غسل است و بلکه نووی اجماع را در این باره نقل کرده است و در این باره فرقی میان مرد و زن و خواب و بیداری نیست و اصل در این باره حدیث ابوسعید خُدری ـ رضی الله عنه ـ است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: «همانا آب از آب است» (مسلم: ۳۴۳) و معنایش چنانکه نووی می‌گوید این است که خروج آب جهنده یعنی منی باعث واجب شدن غسل با آب می‌شود».

۲ـ رسیدن دو ختنه‌گاه به هم با فرو رفتن کامل حشفه (سر آلت مرد) در فرج (شرمگاه زن) حتی اگر انزال صورت نگیرد.

در «الموسوعة الفقهية» (۳۱/ ۲۰۴) آمده است:

«علما بر این اتفاق نظر دارند که حیض و نفاس از واجب کننده‌های غسل است و ابن منذر و ابن جریر طبری و دیگران اجماع را در این باره نقل کرده‌اند و دلیل وجوب غسل برای حیض این سخن حق تعالی است که می‌فرماید: وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُواْ النِّسَاء فِي الْمَحِيضِ وَلاَ تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىَ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّهُ [بقره: ۲۲۲] (و [ای پیامبر،] از تو دربارهٔ حیض (عادت ماهانهٔ زنان) می‌پرسند؛ بگو: «آن پلید و زیانبار است؛ پس در حالت

قاعدگی از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید و با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند. پس هنگامی که پاک شدند [و غسل کردند،] از همان جا که الله به شما فرمان داده است [یعنی از راه قُبُل و نه از راه دُبُر] با آنان آمیزش کنید).

بخش دوم: جاهایی که به اتفاق علما غسل در آن واجب نیست اما مستحب است.

۱ـ برای هر جایی که مردم در آن جمع می‌شوند، غسل کردن مستحب است.

بغوی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: برای کسی که می‌خواهد با مردم یکجا شود مستحب است که غسل کند و خود را تمیز کند و عطر بزند.

از دیگر موارد: غسل دو عید است. نووی ـ رحمه الله ـ در «المجموع» (۲/۲۳۳) می‌گوید: «به اتفاق برای همه، چه مردان و چه زنان و کودکان سنت است، زیرا از آن قصد زینت می‌رود و همهٔ آنان اهل آن هستند».

سؤال شمارهٔ (48988) را ببینید.

و از جملهٔ آن، نماز برای خورشید و ماه گرفتگی و نماز باران و وقوف در عرفه و غسل در مشعر حرام و برای رمی جمار در ایام تشریق و دیگر اماکنی است که مردم در عبادات یا عادات خود آنجا جمع می‌شوند.

۲ـ هنگام تغییر بدن: محاملی ـ از علما شافعی ـ می‌گوید: غسل هنگام هر تغییری حالتی در بدن مستحب است.

از جملهٔ آن: تصریح فقها بر استحباب غسل دیوانه پس از عاقل شدن و بیهوش پس از به هوش آمدن و غسل پس از حجامت و پس از وارد شدن به حمام است. زیرا غسل آنچه به بدن چسبیده را از بین می‌برد و آن را به حالت طبیعی بازمی‌گرداند. نگا: «المجموع» (۲/ ۲۳۴، ۲۳۵).

۳ـ هنگام برخی از عبادات: مانند غسل برای احرام، زیرا پیامبر «برای احرامش لباس [دوخته شده] از تن بیرون آورد [و ازار و ردا پوشید] و غسل کرد». به روایت ترمذی (۸۳۰). فقها به استحباب غسل برای طواف زیارت و طواف وداع و در شب قدر تصریح کرده‌اند. ابن عمر هرگاه وارد مکه می‌شد غسل می‌کرد و چنین یاد می‌کرد که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ چنین می‌کرد. به روایت بخاری (۱۴۷۸) و مسلم (۱۲۵۹).

بخش سوم: غسل‌هایی که درباره‌اش اختلاف است و بیان قول راجح در این باره:

۱ـ غسل میت:

جمهور علما بر این هستند که مرگ از واجب کننده‌های غسل است؛ به دلیل سخن پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ هنگام

درگذشت دخترشان که فرمود: «او را سه بار یا پنج بار یا بیشتر از آن غسل دهند» به روایت بخاری (۱۲۵۳) و مسلم (۹۳۹).

۲ـ غسل کسی که میت را غسل داده است: علما در ادامهٔ اختلاف بر سر حکم حدیثی که در این باره وارد شده در این باره اختلاف کرده‌اند. از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: «کسی که میتی را غسل داده، غسل کند» به روایت احمد (۲/۵۴۵) و ابوداوود (۳۱۶۱) و ترمذی (۹۹۳) و می‌گوید: این حدیث حسن است. امام احمد در «مسائل أحمد لأبی‌داود» (۳۰) می‌گوید: در این باره حدیثی ثابت نیست.

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ در «الشرح الممتع» (۱/۴۱۱) می‌گوید: «استحباب [این غسل] قول میانه و نزدیکتر به درستی است».

۳ـ غسل جمعه:

نووی در «المجموع» (۲/۲۳۲) می‌گوید: «این نزد جمهور سنت است و برخی از سلف آن را واجب دانسته‌اند».

صحیح همان چیزی است که شیخ الاسلام ابن تیمیه در «الفتاوی الکبری» (۵/۳۰۷) برگزیده و گفته است: «غسل جمعه برای کسی که عرق کرده یا بویی دارد که باعث آزار دیگران می‌شود واجب است».

۴- مسلمان شدن کافر:

در «الموسوعة الفقهیة» (۳۱/ ۲۰۵،۲۰۶) آمده است:

مذهب مالکیان و حنبلیان این است که مسلمان شدن کافر موجب غسل است و چون کافری مسلمان شد واجب است که غسل کند، زیرا ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ می‌گوید: ثمامة بن آثال ـ رضی الله عنه ـ مسلمان شد پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: «او را به دیوار بنی فلان ببرید و بگویید که غسل کند» و از قیس بن عاصم روایت است که او مسلمان شد پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ امر نمود که با آب و سدر غسل کند. همچنین کسی که مسلمان می‌شود غالبا غسل جنابت نکرده و برای او مظنهٔ غسل نکردن جایگزین حقیقت می‌شود، مانند خواب [که پس از آن وضو واجب است] و به هم رسیدن دو ختنه‌گاه.

حنفیان و شافعیان اما غسل را برای کافر به هنگام مسلمان شدن مستحب دانسته‌اند اگر در هنگام اسلام آوردن جُنُب نباشد؛ زیرا مردم بسیاری مسلمان شدند و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آنان را امر نکردند که غسل کنند و اگر کافر در حال جنابت مسلمان شود واجب است غسل کند. نووی می‌گویید: شافعی به این تصریح نموده و جماهیر اصحاب [مذهب] بر این اتفاق دارند».

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ در «الشرح الممتع» (۱/۳۹۷) می‌گوید: «به احتیاط نزدیکتر آن است که غسل کند».

والله اعلم.